

## Reading Comprehension

### Who is a scientist?

ساین تیسٹ ایز هو

چه کسی دانشمند است؟

### The world around us is full of amazing things.

تینگز ایمی زینگ او فول ایز آس اراوند ورلد ذ

دنیای اطراف ما پر از چیزهای شگفت انگیز است.

### Knowing this beautiful world is very interesting for humans.

هیومن فر اینترستینگ وری ایز ورلد بیوتی فول ذیس نوانینگ

شناختن این دنیای زیبا برای بشر خیلی جالب است.

### One group of people who study the world are scientists.

ساین تیسٹس آر ورلد ذ ستادی هو بی پل او گروپ وان

یک گروه از مردم که دنیا را مطالعه می کنند دانشمندان هستند.

### A scientist studies nature, animals, or people.

بی پل آر انیمالز نیچر ستادی ز ساین تیسٹ ا

یک دانشمند طبیعت، حیوانات یا مردم را مطالعه می کند.

### Scientists work hard and do research to solve problems, find facts or invent

اینونت آر فکتس فایند پرابلمز سالو تو ری سرچ دو آند هارد ورک ساین تیسٹز

دانشمندان سخت کار می کنند و تحقیق می کنند تا مشکلات را حل کنند، حقایق را پیدا کنند یا

### new things.

تینگز نیو

چیزهای جدید اختراع کنند.

**Scientists learn about the world by observing and experimenting.**

اگس پری منت اینگ آند ابروینگ های وُرلد ذِ اِهاوت لِرُن ساین تپستز

دانشمندان با مشاهده و آزمایش در مورد دنیا یاد می گیرند.

**There are different types of scientists.**

دانشمندان مختلفی وجود دارند.

ساین تپستس او تاپس دیفرنت آر ذِر

**Some of them study plants, earth, seas, or animals.**

انمالز آر سِز اِرت پلنتس شتادی ذِم او سام

بعضی از آن ها گیاهان، زمین، دریاها یا حیوانات را مطالعه می کنند.

**Others study people and how they behave and learn.**

لِرُن آند بی هپو ذی هاو آند بی پل شتادی اذِرز

دیگران، مردم را مطالعه می کنند و این که آن ها چگونه رفتار می کنند و یاد می گیرند.

**Some scientists like to study history or languages.**

لنگویج از آر هیستوری شتادی تو لایک ساین تپستس سام

بعضی از دانشمندان دوست دارند تاریخ یا زبان ها را مطالعه کنند.

**Others are interested in making new things. They want to make people's lives easier.**

نی زی اِر لایوز بی پلز میک تو وائث ذی تینگز نیو میکینگ این اینترستد آر اذِرز

دیگر (دانشمندان) علاقه مند به ساخت چیزهای جدید هستند. آن ها می خواهند زندگی مردم را آسان تر کنند.

**Some scientists become very famous and rich.**

ریچ آند فی مس وری بی کام ساین تپستس سام

بعضی از دانشمندان خیلی مشهور و ثروتمند می شوند.

**Many people around the world may remember their names and faces.**

فیس از آند نیمز ذِر ری ممبر می وُرلد ذِ اِراوند بی پل مینی

خیلی از مردم در سرتاسر دنیا ممکن است نام ها و چهره هایشان را به یاد داشته باشند.

**But this is not what they call 'success'.**

اما این چیزی نیست که آن ها «موفقیت» می نامند.

سِکسِن کال ذی وات نات ایز دیس بات

**They feel successful when they solve problems and find answers to their questions.**

کواس چنز ذِر تو آنسِرز فایند آند پرابلمز سالو ذی ون سِکسِن فول فیل ذی

آن ها موقعی که مشکلات را حل می کنند و پاسخ سؤال هایشان را می یابند احساس موفقیت می کنند.

### Question A

45

#### True or False

درست یا نادرست

1) **Only scientists like to study the world.**

وُرلد ذِ شتادی تو لایک ساین تپستس ائلی

فقط دانشمندان دوست دارند دنیا را مطالعه کنند.

2) **There are different types of scientists.**

ساین تپستس او تاپس دیفرنت آر ذِر

انواع دانشمندان مختلفی وجود دارند.

3) **Scientists think 'success' means becoming rich.**

ریچ بی کامینگ مینز سِکسِن تینک ساین تپستس

دانشمندان فکر می کنند «موفقیت» یعنی ثروتمند شدن.

Answer the following questions.

به سؤال های زیر پاسخ دهید.

1) How do scientists learn about the world?

دانشمندان چگونه در مورد دنیا یاد می گیرند؟  
 وِردِل دِ اِبَاوت لِرِن سَايِن تِيسْتِس دُو هَاو

They learn about the world by observing and experimenting.

آن ها با مشاهده و آزمایش در مورد دنیا یاد می گیرند.

2) What does an inventor do?

مخترع چه کار می کند؟  
 دُو اَيْن وِنْتِر اَن دَاز وَات

An inventor makes new things.

مخترع چیزهای جدید درست می کند.

3) Do you like to do research about the world?

آیا شما دوست دارید در مورد دنیا تحقیق انجام دهید؟  
 وُردِل دِ اِبَاوت سِرچ دُو تُو لَايِك يُو دُو

Yes, I like to do research about the world.

آیا شما دوست دارید در مورد دنیا تحقیق انجام دهید؟

بله، من دوست دارم در مورد دنیا تحقیق انجام دهم.

## Grammar

### Question A

Unscramble the following sentences.

کلمه های به هم ریخته را مرتب کنید.

1. doing research / a new medicine / when / was / she / Shirin / found / .

فَاوند شيرين شي واز وِن مِدِين نيو اِ رِي سِرچ دواينگ

When Shirin was doing research, she found a new medicine.

وقتی شیرین در حال انجام تحقیق بود، داروی جدیدی پیدا کرد.

2. the injured animal / they / trying hard / were / to save / .

سِيُو تُو وِر هَارِد تَرَاي اِينگ دِي اَنِمَال اَيْن چِرْدُ دِ

They were trying hard to save the injured animal.

آن ها سخت تلاش می کردند تا آن حیوان آسیب دیده (مصدوم) را نجات دهند.

3. English / as a translator / worked / when / he / studying / Hassan / was / at university / .

يُونيورسيتي اَت واز حَسَن سَتَادِي اِينگ هِي وِن وِر كُتْ ثَرَنس لِي تِر اِ اَز اِينگَلِش

When Hassan was studying English at university, he worked as a translator.

وقتی حسن در حال خواندن انگلیسی در دانشگاه بود، به عنوان مترجم کار می کرد.

4. called him / Reza / studying / Arabic book / when / his / was / his mother / ?

مَادِر هِيَز واز هِيَز وِن بُوک اَرَبِيک سَتَادِي اِينگ رِضَا هِيَم كَالْدُ

Was Reza studying his Arabic book when his mother called him?

آیا وقتی مادر رضا به او زنگ زد، او در حال خواندن کتاب عربی اش بود؟

## Question B

Look at this photo. My uncle took it yesterday at 8 o'clock. Then complete the sentences.

به این تصویر نگاه کنید. عموی من دیشب ساعت ۸ آن را گرفت. سپس جمله‌ها را کامل کنید.

1. My father was reading a newspaper.

پدرم در حال خواندن روزنامه بود.

2. My mother was reading a book.

مادرم در حال خواندن کتاب بود.

3. My sister was studying.

خواهرم در حال درس خواندن بود.

4. My brother was working with his laptop.

برادرم در حال کار کردن با لپ‌تاپش بود.

5. My grandfather was listening to the radio.

پدربزرگم در حال گوش دادن به رادیو بود.



48

## Question C

Write what you were doing at the given times.

بنویسید در زمان‌های داده شده در حال انجام چه کاری بودید.

(پاسخ پیشنهادی)

1. Yesterday afternoon, I was watching TV. دیروز بعدازظهر، من در حال تماشا کردن تلویزیون بودم.

2. Last week this moment, I was studying. هفته گذشته در این لحظه، من در حال درس خواندن بودم.

3. This morning at 5, I was sleeping. امروز صبح ساعت ۵، من خوابیده بودم.

4. When my mother was cooking dinner last night, I was talking to my sister.

وقتی شب گذشته مادرم در حال پختن شام بود، من در حال صحبت کردن با خواهرم بودم.

## Question D

49

Read the following text. Complete it with appropriate 'self-pronouns'.

متن زیر را بخوانید. آن را با ضمیرهای self مناسب کامل کنید.

Yesterday I was all alone. I was cleaning the house.

هاوسِ ذِ کلین‌اینگِ وازِ آیِ اِنِ اَلِ وازِ آیِ یِسْتَرْدِیِ

من کل دیروز را تنها بودم. من در حال تمیز کردن خانه بودم.

As no one was helping me, I was doing everything myself. It was very difficult.

دیفیکالتِ وریِ وازِ ایتِ مایِ سِلَفِ اِوِریِ تینگِ دواینگِ وازِ آیِ میِ هِلپینگِ وازِ وانِ نِ اَزِ

از آن جایی که هیچ‌کس به من کمک نمی‌کرد، من همه چیز را خودم انجام می‌دادم. آن خیلی سخت بود.

I remember how my mother cleaned the house herself when we didn't help her.

هَرِ هِلپِ دیدنْتِ ویِ وِنِ هِرْسِلَفِ هاوسِ ذِ کلیندِ مادرِ مایِ هاوِ ریِ مِمبرِ آیِ

من به خاطر می‌آورم که مادرم چطور خودش خانه را تمیز می‌کرد وقتی که ما او را کمک نمی‌کردیم.

I felt so sorry and ashamed. I was still working when my mother came in.

اینِ کیمِ مادرِ مایِ وِنِ وِرکینگِ سْتیلِ وازِ آیِ اِشیمدِ اِنْدِ ساریِ سِنِ فِنْتِ آیِ

من خیلی ناراحت و شرمند شدم. من هنوز در حال کار کردن بودم که مادرم وارد شد.

I was cleaning the kitchen. She asked: Babak, did you do that yourself?"

یُرسلف دت دو یو دید بابک اَسکت شی کیچن ذ کلیننگ وار ای

من در حال تمیز کردن آشپزخانه بودم. او پرسید: «بابک خودت این کار را انجام دادی؟»

I answered: "Yes, mom, myself. I did it for you." She said, "Thank you, dear.

دیر یو تنک سِد شی یو فُر ایت دید ای مای سِلَف مام یس اَنسِرَد ای

من پاسخ دادم: «بله خودم». من آن را برای شما انجام دادم. او گفت: «متشکرم، عزیزم».

But now wait, don't do that yourself. Let's do everything together".

توگِذر اوری تیگ دو لَتس یُرسلف دت دو دُنْت ویت ناو بات

اما حالا صبر کن، این کار را خودت انجام نده. بیا همه چیز را با هم انجام دهیم».

1. Did Babak's brothers clean the house themselves?

ذم سلوژ هاوس ذ کلین برادرز بابکز دید

آیا برادران بابک خودشان خانه را تمیز کردند؟

No, Babak cleaned the house himself.

نه، بابک خودش خانه را تمیز کرد.

2. Was Babak cleaning the room when his mother came in?

این کیم مادر هیز ون روم ذ کلین اینگ بابک وار

آیا وقتی مادر بابک وارد شد، او در حال تمیز کردن اتاق بود؟

No, he was cleaning the kitchen.

نه، او در حال تمیز کردن آشپزخانه بود.

3. Will his mother clean the kitchen herself?

هرسلف کیچن ذ کلین مادر هیز ویل

آیا مادرش خودش آشپزخانه را تمیز خواهد کرد؟

No, they will clean the kitchen together.

خیر، آنها آشپزخانه را با هم تمیز خواهند کرد.

## Vocabulary

### Question A

50

Read the descriptions and find the word.

این توضیحات را بخوانید و کلمه را پیدا کنید.

inventor مخترع	scientist دانشمند	quit انصراف دادن	develop توسعه یافتن	experiment آزمایش
	belief باور	famous مشهور	solve حل کردن	

1. a person who does research and finds facts (scientist)

فکتس فاینڈر اَنڈ ری سرچ داز هو پِرسِن اِ

شخصی که تحقیق انجام می دهد و حقایق را پیدا می کند.

2. to stop doing something (quit)

سام تینگ دواینگ ستاپ تو

متوقف کردن انجام کاری

3. something that you believe (belief)

بیلو یو دت سام تینگ

چیزی که آن را باور دارید

4. to grow or change into a stronger, larger or better form (develop)

فُرَم یتر اَر لارچر سترانگر اِ این تو چینج اَر گرو تو

رشد کردن یا تغییر یافتن به یک شکل قوی تر، بزرگ تر یا بهتر

5. to find an answer to a problem (solve)

پرابلم اِ تو اَنسِر اَن هانڈ تو

پیدا کردن پاسخ برای یک مسئله

Question B

One odd out.

کلمه ناهماهنگ را مشخص کنید.

1. a. find

پیدا کردن

b. solve

حل کردن

c. invent

اختراع کردن

d. attend

حضور یافتن

2. a. grow up

رشد کردن

b. develop

توسعه یافتن

c. destroy

نابود کردن

d. increase

افزایش یافتن

3. a. inventor

مخترع

b. researcher

محقق

c. farmer

کشاورز

d. thinker

متفکر

4. a. observatory

رصدخانه

b. library

کتابخانه

c. laboratory

آزمایشگاه

d. memory

حافظه

5. a. powerful

قوی

b. weak

ضعیف

c. strong

قوی

d. energetic

پرانرژی

Question C

Match columns A and B.

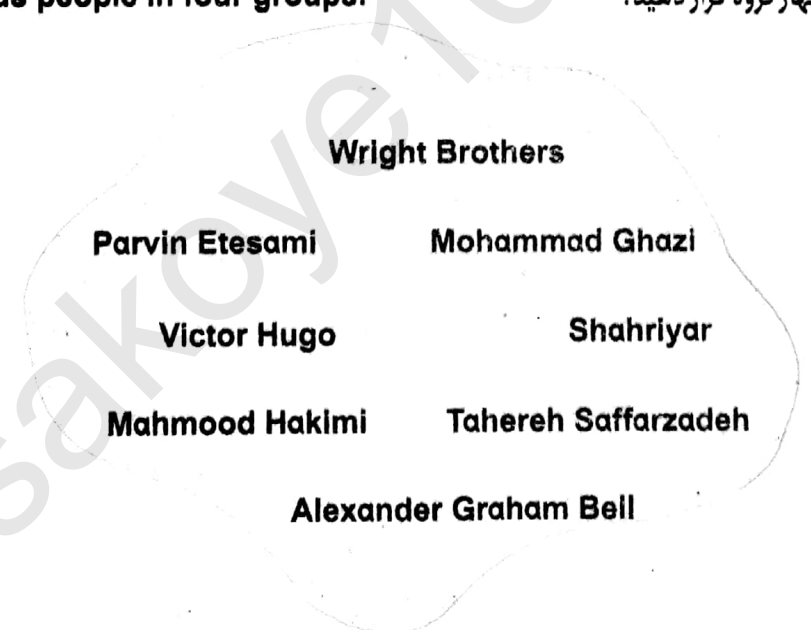
ستون های A و B را به هم وصل کنید.

A	B
become	an interview (در مصاحبه حاضر شدن)
build	a laboratory (ساختن آزمایشگاه)
attend	a poem (ترجمه کردن شعر)
translate	successful (موفق شدن)

Question D

Put these famous people in four groups.

این افراد معروف را در چهار گروه قرار دهید.



Poet (شاعر)

Parvin Etesami

Shahriyar

Mohammad Ghazi

Translator (مترجم)

Tahereh Saffarzadeh

Mahmood Hakimi

Mohammad Ghazi

Inventor (مخترع)

Alexander Graham Bell

Wright Brothers

Writer (نویسنده)

Victor Hugo

تذکره: مرحوم محمد قاضی مترجم و شاعر مهابادی در سال ۱۳۷۶ از دنیا رفت.

Fill in the blanks with the given words.

جاهای خالی را با کلمات داده شده کامل کنید.

believe, grow up, inventions, bulb, successful  
موفق لامپ اختراعات رشد کردن باوردداشتن

تذکر: bulb مترادف light bulb به معنی «لامپ» است.

1. The airplane is one of the greatest inventions of human.

هیومن او این ون شن گریت است ذ او وان ایز اربلین ذ

هواپیما یکی از بزرگترین اختراعات بشر است.

2. Some scientists are very successful in their lives.

لایوز ذر این سکسیس فل وری آر ساین تیتس سام

بعضی از دانشمندان در زندگیشان بسیار موفق هستند.

3. When children grow up their personality changes.

چینجز پرسنلیتی ذیر آپ گرو چیلدرن ون

وقتی بچه ها رشد می کنند شخصیت شان تغییر می کند.

4. Do you believe what she was saying about Mars?

مارز ابوت سی اینگ واز شی وات بلیو یو دو

آیا تو آن چه که او داشت در مورد مریخ می گفت باور داری؟

5. He changed the bulb to have more light in the room.

روم ذ این لایت مر هو تو بالب ذ چینجد هی

او لامپ را عوض کرد تا نور بیشتری در اتاق داشته باشد.

## Question F

55

Use appropriate nouns with the following verbs.

با فعل های زیر اسم های مناسب به کار ببرید.

- do research (انجام دادن تحقیق)
- give up smoking (ترک کردن سیگار)
- solve problems (حل کردن مشکلات)
- translate a book (ترجمه کردن کتاب)
- change plans (تغییر دادن برنامه ها)

## Pronunciation

### Question A

56

Say the sentences with emphatic stress over the appropriate element.

این جمله ها را با استرس تأکیدی بر روی کلمه مناسب بگویید.

### ایستگاه یادآوری

در توضیحات قبل اشاره کردیم که اگر بخواهیم روی یک کلمه در جمله تأکید کنیم آن را با فشار بیشتری می گوئیم. در جمله های زیر با توجه به عبارات هایی که در داخل پرانتز نوشته شده می توان مشخص کرد کدام کلمه در جمله دارای فشار است. در اصل کلمه ای که زیر آن خط کشیده شده باید با فشار و تأکید بیان شود.

1. I was reading Arabic. (Not Amir)

من مشغول خواندن عربی بودم. (نه امیر)

2. I was reading Arabic. (Not writing Arabic)

من مشغول خواندن عربی بودم. (نه نوشتن عربی)

3. I was reading Arabic. (Not English)

من مشغول خواندن عربی بودم. (نه انگلیسی)

## Writing

### Question A

57

Complete the spelling of words.

املای این کلمه ها را کامل کنید.

remember	به یاد داشتن	attend	حضور یافتن
ری ممبر		آتند	
build	ساختن	invent	اختراع کردن
بیلد		این ونت	
create	خلق کردن	believe	باور داشتن
کری ایت		بلیو	

### Question B

58

Complete the word family chart.

این جدول خانواده کلمات را کامل کنید.

Verb (فعل)	Noun (اسم)
invent (اختراع کردن)	inventor (مخترع)
build (ساختن)	building (ساختمان)
believe (باور داشتن)	belief (باور)
know (دانستن)	knowledge (دانش)
translate (ترجمه کردن)	translation (ترجمه) / translator (مترجم)
think (فکر کردن)	thinker (متفکر)

### ایستگاه یادگیری

در زبان انگلیسی می توان به آخر فعل ها پسوند هایی اضافه کرد و آن ها را به اسم تبدیل کرد. برای این کار هیچ قاعده ای وجود ندارد و تنها راه، مراجعه به فرهنگ لغت است. برخی از پسوند های اسم ساز عبارتند از:

ity, ence, ance, ing, sion, tion, ment, ist, ar, or, er

پس کلمات زیر اسم هستند:

ability, scientist, entertainment, thinker, invention, inventor, building

### Question C

59

Read the text. Find nouns, adjectives and verbs. Write them in appropriate columns.

این متن را بخوانید. اسم ها، صفت ها و فعل ها را پیدا کنید. آن ها را در ستون مناسب بنویسید.

Yesterday, it was snowing heavily. Maryam was playing inside.

این ساینڈ پلی انیک واز مریم هوی لی سنواینگ واز ایت یسٹردی

دیروز، برف سنگینی در حال باریدن بود. مریم در حال بازی کردن در داخل (خانه) بود.

She really wanted to go out to play. But she stayed in because it was very

وری واز ایت بی کاز این شتی شی بات یلی تو اوت می تو وانڈ ریلی شی

cold outside.

او واقعاً می خواست برای بازی کردن به بیرون برود. اما او داخل ماند زیرا بیرون خیلی سرد بود.

اوت ساید کلد



she was thinking about what to do to have fun inside the house.

هاوس ذ اینساید فان هو تو دو تو وات ایپوت ٲینگاینگ واز شی

او در مورد این فکر می کرد که چه کار کند تا در داخل خانه تفریح کند.

she went into her room. She was looking at her things when her friend Mina called.

کالڈ مینا فرند هر ون ٲینگز هر ات لوکینگ واز شی روم هر این تو ونٹ شی

او به اتاقش رفت. او در حال نگاه انداختن به چیزها (وسایلش) بود که دوستش مینا تلفن زد.

she lives next door. Mina was coming to Maryam's house with her mother.

مادر هر ویت هاوس مریمز تو کامینگ واز مینا در نکسٹ لیوز شی

و در خانه کناری زندگی می کند. مینا داشت با مادرش به خانه مریم می آمد.

she was bringing some interesting books and games.

گیمز آند بوکس اینترستینگ سام برینگاینگ واز شی

و داشت چند کتاب و بازی جالب می آورد.

They were reading and playing all evening. They really had a good time.

تایم گود ا هد ریلی ذی ایونینگ ال پلی اینگ آند ریڈینگ ور ذی

تمام غروب آنها در حال خواندن (کتاب) و بازی کردن بودند. آنها واقعاً اوقاتی خوش داشتند.

Noun (اسم)

Verb (فعل)

Adjective (صفت)

Maryam (مریم)

snow (برف باریدن)

cold (سرد)

fun (تفریح)

go (رفتن)

interesting (جالب)

house (خانه)

play (بازی کردن)

good (خوب)

room (اتاق)

stay (ماندن)

thing (چیز)

was (بودن)

friend (دوست)

think (فکر کردن)

Mina (مینا)

do (انجام دادن)

mother (مادر)

have (داشتن)

book (کتاب)

went (رفتن)

game (بازی)

look (نگاه کردن)

time (وقت)

call (تلفن زدن)

live (زندگی کردن)

come (آمدن)

bring (آوردن)

read (خواندن)

play (بازی کردن)

had (داشتن)